

عنوان مقاله:

بررسی کهن الگوها یا انگاره های بنیادین پایدار در معماری ایرانی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، دوره 1، شماره 6 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

کسری شفیعی زاده

خلاصه مقاله:

در دوران معاصر و اغلب در پناه تفکر مدرنیسم در عرصه های معماری و شهرسازی، آثار و بافت هایی به وجود آمدند که آفرینندگان آنها، بیش از هر چیز، به نوآورانه و حتی غریب بودن آنها به خود می بالیدند. اصرارنوگرایان به ایجاد محیط هایی با استانداردهای یکسان برای انسانها، با ویژگی های متفاوت، سبب شد فضاهای زیست شهری مدرن گرایش به سردرگمی، هرج و مرج، پریشانی و ابتذال پیدا کنند. حال آنکه با گذشت زمان نمایان شدن مسایل چنین ساخت وسازهایی که بی اعتنا به تاریخ و فرهنگ بومی ملت ها تداوم می یافتند - لزوم بازبینی ریشه ای در این زمینه آغاز و سعی شد مبانی اصلی برای آثار و عناصر محیطی پیدا شود؛ مبانی ریشه داری که بتواند ارتباط قطع شده بین مخاطب و محیط بومی را دوباره برقرار کند. با مطرح شدن مباحث روانشناسی محیطی، تاریخ و فرهنگ بومی و امثالهم کهن الگوها (آرکی تایپ ها) به عنوان یکی از مهم ترین و تعیین کننده ترین موضوع ها در زمینه طراحی فضاهای انسان ساخت مطرح شدند. فضاهای انسان ساخت مطابق با الگوی کهن، چون برآمده از تاریخ، اسطوره ها و فرهنگ اند، ازلی به نظر می رسند و تا زمان حال پایدار باقی بمانند. اما بناهای معمولی، از آنجا که ساختمان های عادی ساخته و پرداخته ذهن افراد هستند، در ناخودآگاه جمعی جای نداشتند و بیشتر به فرد بستگی دارند. این موضوع نکته بسیار مهمی است که در این مقاله در مرکز توجه قرار داشته است. معماری معاصر ایران برای دستیابی به معماری ماندگار و جهانی، نیازمند شناخت ویژگیهای الگوهای پایدار آرکی تایپی است. در این مقاله دو کهن الگوی ماندالا و بالا - پایین (ورنگ) مورد بررسی قرار میگیرد. ماندالا از مهمترین کهن الگوهای معماری ایران است که در گذار از تاریخ این سرزمین (ایران باستان و پس از اسلام)، نموده های متفاوتی به خود گرفته است در این گذار تاریخی، این نقش همچنان به حیات خود ادامه داده و در بناهای مذهبی گوناگون، شکل های متفاوتی به خود گرفته است. کهن الگوی ورنگ نیز جایی بین اسطوره و نماد ایستاده است. این کهن الگو یا انگاره به نمایش گذارنده کمال معنوی و آرمانی، در شکلی ملموس، قابل فهم، و غیرمستقیم در چارچوبی ذهنی/عینی است که هدف غایی را بیرون آمدن انسان از تاریکی، ظلمات، خامیو ناآگاهی به سوی پختگی، دانایی، نور و کمال میداند. امری که در طول تاریخ بشر جزء آرمان های غیر قابل جایگزین و فطری بشر محسوب می شده است.

کلمات کلیدی:

معماری ایرانی، کهن الگو، بافت، چارچوب ذهنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/707416>

